

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۹۷

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University
کد مقاله: ۱۸۰۹۰

بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثنی عشریه و زیدیه تا پایان دوره آل بویه

مهران اسماعیلی*
ربابه نبی الهی**

چکیده

امامیه در استدلال‌های کلامی خود، بر پنج آیه اولی الامر، تطهیر، ولایت، مودت و مباحله تأکید دارند. بررسی تطبیقی تفاسیر اثنی عشریه و زیدیه از آغاز تا پایان عصر آل بویه در نیمه سده پنجم، از این آیات و شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های تفسیری آن‌ها، مسئله اصلی این مقاله است و دامنه آن به تفاسیر ابوالجارود، مقاتل بن سلیمان، قمی، حنبل، فرات کوفی و شیخ طوسی محدود شده است. در ابتدا مشخص شد که تفسیر مقاتل کمترین شباهت را به تفاسیر شناخته شده زیدی و اثنی عشری دارد و از این رو در نتایج به دست آمده در نظر گرفته نخواهد شد. در میان تفاسیر باقی مانده بررسی‌ها نشان می‌دهد که عموم این تفاسیر، را می‌توان در زمره تفاسیر روایی و نقلی طبقه‌بندی کرد. از نظر تعداد روایات کلامی نقل شده، بیشترین روایات در تفاسیر زیدی و به ترتیب در تفسیر فرات و سپس الحبري نقل شده است. وجه مشترک همه تفاسیر فوق آن است که همگی در پی اثبات نزول این آیات، درباره پنج تن هستند و به دلالت‌های کلامی آیات نمی‌پردازند. شیخ طوسی تنها و نخستین مفسر شیعی است که به نقل روایت بسنده نکرده و به عنوان یک متکلم، انگاره‌های کلامی عصمت و طهارت، افضلیت، ولایت بلافصل امام علی؛ و همچنین افضلیت امام حسن و امام حسین پس از امام علی علیهم السلام را از آیات امامت استنباط کرده است.

کلیدواژه‌ها: کلام، آیات امامت، زیدیه، اثنی عشریه، امامیه، تفسیر، شیخ طوسی.

mehransbu@gmail.com
nabiyollahi@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
** دانش آموخته دانشگاه ادیان و مذاهب

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۲

پیش درآمد

تفاسیر نقلی شیعه را می‌توان یکی از منابع کلام نقلی شیعه در نظر گرفت. شناخت میزان توجه علمای زیدی و اثنی‌عشری به آیات قرآنی و روایات تفسیری آنها در دوره‌های گوناگون تاریخی، از جهات گوناگونی چشمگیر است. این پژوهش درصدد است تا آیات ۵۵ مائده، ۳۳ احزاب، ۶۱ آل عمران، ۵۹ نساء و ۲۳ شورا را که در میان شیعیان اثنی‌عشریه برای اثبات اصل امامت استفاده می‌شود، از میان برجسته‌ترین تفاسیر سده‌های نخست زیدیه و امامیه مقایسه کند. در این پژوهش، پایان دوره آل‌بویه به‌عنوان نقطه پایانی پژوهش در نظر گرفته شده است. بر این اساس، ابتدا تفاسیر اثنی‌عشری و زیدی بر اساس تاریخ وفات نویسندگان آنها، مرتب و تفسیر آنان به روش تطبیقی با یکدیگر مقایسه شده است تا مشخص شود آیاتی را که متکلمان اثنی‌عشریه در مبحث امامت، مستند استشادهای نقلی خود قرار می‌دهند، در میان مفسران اثنی‌عشری و زیدی چگونه تفسیر شده و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان تفاسیر زیدی با تفاسیر اثنی‌عشری قابل ملاحظه است. تفاسیر مورد نظر عبارت‌اند از تفسیر ابوالجارود، مقاتل بن سلیمان، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر فرات کوفی، تفسیر حبری و تفسیر التبیان شیخ طوسی. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری به دلیل آن که در نسخه ناقص آن، آیات مورد نظر وجود ندارند، از گردونه بحث خارج شده است.

در زمینه مقایسه باورهای امامیه و زیدیه پژوهش‌هایی چون امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه به چاپ رسیده است (شفق خواتی)، اما در این پژوهش رویکرد تفسیری وجود ندارد. مقاله مشابه دیگری با عنوان امامت از دیدگاه دو فرقه زیدیه و امامیه چاپ شده است (سید احسان صادقیان، زمستان ۱۳۹۰) که با تکیه بر روش تاریخی، امامت را از دیدگاه زیدیه و امامیه بررسی کرده است. مقاله تکامل تاریخی و فکری - فرهنگی معتزله و زیدیه (مصطفی سلطانی) ارتباطی با این پژوهش ندارد. درباره هر یک از تفاسیر مورد نظر در این پژوهش نیز مقاله‌ها و آثاری چاپ شده که صرفاً به روش، معرفی یا مبانی تفسیری آنان پرداخته‌اند و بررسی تطبیقی با تأکید بر آیات امامت در آنها صورت نگرفته است.

تفاسیر بررسی شده در این مقاله

این پژوهش با هدف مقایسه چند تفسیر اثنی‌عشری و زیدی در آیات امامت، آنها را بررسی می‌کند. نخست مختصری از زندگی و آثار آنها و دلایل اثنی‌عشری یا زیدی بودن آنها ارائه

خواهد شد و در ادامه تفاسیرشان از آیات امامت بررسی خواهد شد. پیش از همه باید به تفسیر ابوالجارود و مقاتل بن سلیمان اشاره کرد که هر دو در حدود سال ۱۵۰ هجری از دنیا رفته‌اند و فعالیت علمی‌شان عمدتاً در دوره امامت امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام بوده است. ابوالجارود یکی از شاگردان امام باقر علیه‌السلام و از طایفه خارف از قبیله همدان بود. او در سال ۱۲۲ به صورت نمادین در قیام زید شرکت کرد. یکی از سه فرقه زیدیه، منتسب به اوست. اثنی عشریه و اهل سنت هر دو در کتاب‌های رجالی خود وی را جرح کرده‌اند (برای جزئیات بیشتر نک: جرّار؛ حسین‌زاده) از تفسیر ابوالجارود که ابن ندیم به آن اشاره کرده، نسخه‌ای شناسایی نشده ولی اخیراً علی‌شاه علی‌زاده، پژوهشگر مؤسسه دارالحدیث، تفسیر و مُسند ابوالجارود را گردآوری، بازسازی و چاپ کرده است.

مفسر بعدی مقاتل بن سلیمان است که در خراسان نشو و نما یافت و تحصیل کرد ولی بعدها به عراق آمد و همان‌جا درگذشت. به‌رغم مشابهت‌های فراوان تفسیر مقاتل با تفاسیر نقلی اهل سنت، علمای رجال اهل سنت او را تضعیف کرده‌اند و در میان اثنی عشریه نیز به رسمیت شناخته نشده است و شیخ طوسی و ابن ندیم وی را زیدی معرفی کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۹ ق، ص ۱۴۷؛ ابن ندیم، ص ۲۵۳؛ برای جزئیات بیشتر درباره مقاتل و تفسیر او نک: شایسته نژاد، ص ۱۲۳-۹۵). پس از ابوالجارود و مقاتل، باید به مفسرانی اشاره کرد که با امامان متأخر اثنی عشریه هم‌عصر بوده‌اند یا در دوره غیبت صغری زندگی می‌کردند. در این دوره پیش از همه باید از حسین بن حکم بن مسلم جبری (د. ۲۸۶ ق) محدث و مفسر کوفی یاد کرد. مشایخ و طرق روایی او نشان می‌دهد که زیدی است. جبری در میان علمای رجال و محدثان اهل سنت مورد تأیید است ولی شیخ طوسی از او نامی نبرده است (جبری، مقدمه).

علی بن ابراهیم قمی (زنده در ۳۰۷ ق) یکی از اصحاب امام هادی و استاد کلینی (د. ۳۲۹ ق) است. بررسی‌های انجام شده نسبت به نسخه منتشر شده تفسیر قمی نشان می‌دهد که این اثر را نمی‌توان به قمی نسبت داد زیرا که افزوده‌هایی از ابوالجارود و روایاتی از زید بن علی در آن نقل شده است. به هر حال آنچه در این بررسی بر آن استناد می‌شود، نسخه چاپ شده این تفسیر است.

پس از قمی باید از ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات، محدث و مفسر کوفی نام برد که دوره غیبت صغری (۳۲۹-۲۶۰ ق) را درک کرده بود. فرات از بسیاری از روایان زیدی روایت نقل کرده است. شواهد دیگری هم از زیدی بودن فرات کوفی در اختیار است. به‌عنوان نمونه ذیل

آیه ۳۳ سوره احزاب از زید بن علی نقل کرده که معصومان بیش از پنج نفر نیستند (فرات کوفی، ص ۳۳۹). یا در جایی دیگر از امامی سخن می گوید که با شمشیر قیام می کند (همان، ص ۴۰۲ و ۴۷۴-۴۷۵). همچنین فرات روایتی دال بر امامت دوازده امام نقل نکرده است (برای توضیحات بیشتر نک: موحدی، قبادی).

در پایان باید به *التبیین* شیخ طوسی (د. ۴۶۰ ق) اشاره کرد که پس از دوره غیبت صغری و در پایان دوره آل بویه زندگی می کرد. کتاب او نخستین تفسیر کامل شیعی اثنی عشری از قرآن کریم است که تا کنون چاپ شده است. او علاوه بر نقل روایات مأثور، با تکیه بر عقل و توجه به علوم مختلف به ارزیابی آرای تفسیری گذشتگان و معاصران خود پرداخت. پس از مرور تفاسیر و مفسران مورد نظر، در این مقاله به بررسی تطبیقی تفاسیر آیات مورد نظر خواهیم پرداخت.

بررسی تطبیقی تفسیر آیه اولی الامر (سوره نساء / ۵۹)

در آیه ۵۶ و ۵۷ این سوره به کافران هشدار و به مؤمنان بشارت داده شده است و در آیه بعد مخاطبان آیه به دو مسئله ادای امانت و قضاوت عادلانه توجه داده شده‌اند. پس از این سه آیه، در آیه ۵۹ سوره نساء به مؤمنان دستور داده شده که از خدا، پیامبر و اولی الامر اطاعت کنند و در اختلاف‌های خود به خدا و فرستاده او مراجعه کنند. در تفسیر بازسازی شده ابوالجارود، تفسیری از آیه اولی الامر نقل نشده است (ابوالجارود، ص ۸۲-۸۱). مقاتل در تفسیر این آیه گذرا به اختلاف نظر عمار یاسر با خالد بن ولید، فرمانده یکی از سربازها اشاره کرده، ولی به اصل رویداد نپرداخته است. گویا خالد در یکی از اعزام‌های پیامبر، به عنوان فرمانده انتخاب شد و در حین ماموریت تصمیم داشت کاری مخالف احکام اسلامی انجام دهد که با مخالفت و سرپیچی عمار یاسر مواجه شد. آن‌ها پس از بازگشت، در حضور پیامبر با یکدیگر مشاجره کردند (سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۶). مقاتل در تفسیر خود خالد بن ولید را اولی الامر در نظر گرفته تا عمار یاسر را به دلیل سرپیچی‌اش محکوم کند. مقاتل در نهایت اولی الامر را به همه فرماندهان پیامبر تعمیم داده است. این تفسیر به تفاسیر اهل سنت نزدیک است (مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۳۸۲).

قمی در تفسیر گذرا و مختصر خود از این آیه، مقصود از بشارت به مؤمنان را بشارت به ائمه تفسیر کرده و مقصود از ادای امانت را، واگذاری امامت از امامی به امام بعد و مقصود از

قضاوت عادلانه را قضاوت امام در بین مردم تفسیر کرده و در ادامه، آیه اولی الامر را دال بر وجوب اطاعت از امامان و مقصود از اولی الامر در آیه مورد نظر را علی بن ابی طالب دانسته است (قمی، ج ۱، ص ۱۴۱).

فرات کوفی در تفسیر این آیه یازده روایت از مرسل نقل کرده که اکثر آنان به امام باقر نسبت داده شده‌اند. مقصود از اولی الامر در دو روایت نخست، امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر یا فقها و علما؛ در روایت سوم، آل محمد؛ در روایت چهارم، حضرت علی و در روایت پنجم علی بن ابی طالب به عنوان یکی از فرماندهان نظامی، اطاعتش واجب دانسته شده است. روایت ششم به بعد نیز هر یک به نوعی به اولی الامر بودن حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کنند (فرات کوفی، ص ۱۱۰-۱۰۸).

شیخ طوسی در آغاز و پس از بیان معنی واژه اطاعت، با استدلال و استشهاد به آیه ۷۹ سوره نساء، اطاعت از پیامبر را محدود به دوره زندگانی وی ندانسته است. او در تفسیر اولی الامر، دو نظریه اهل سنت را معرفی کرده است: نظریه فرماندهان و نظریه عالمان. طوسی در ادامه به روایت‌های شیعه از امام باقر و امام صادق علیه السلام در گزارشی کلی و کوتاه آورده که مقصود از اولی الامر «امامان آل محمد» هستند. آنچه برای نخستین بار در تفاسیر شیعه اعم از اثنی عشریه و زیدیه از این آیه آمده، بحث عصمت امامان است. شیخ طوسی با این استدلال که کسانی که اطاعت از آنها ضروری است، باید از خطا و فراموشی به دور باشند، نظریه‌های قائل به اولی الامر فرماندهان یا علما را نپذیرفته و حمل آیه بر عموم آنها را به دلیل احتمال خطای فرماندهان یا عالمان، نادرست دانسته و از سوی دیگر تخصیص حکم آیه را بر علمای صالح نیز فاقد دلیل برشمرده است. شیخ طوسی بدین روش برای اثبات عصمت و طهارت امامان اثنی عشریه از این آیه استفاده کرده است (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۶-۲۳۵).

در نتیجه در مقایسه تفاسیر آیه اولی الامر می‌توان گفت که تفسیر بازسازی شده ابوالجارود تفسیری برای این آیه بیان نشده است. تفاسیر مقاتل و قمی هم بسیار گذرا از آن گذشته بودند که نشان می‌دهد به این آیه اهمیت چندانی نداده‌اند. تفسیر مقاتل فاقد هر گونه بحث از امامت بود و همچون دیگر تفاسیر اهل سنت، اولی الامر را فرماندهان معنی کرده بود. تفسیر قمی اولی الامر را حضرت علی و ادای امانت در فراز اول آیه را انتقال امامت از امامی به امام دیگر دانسته و نتیجه گرفته که پس از پیامبر، اطاعت از امیر المومنین الزامی است. در ۱۱ روایت مرسل تفسیر فرات کوفی، اولی الامر متفاوت تفسیر شده‌اند. برخی روایات اولی الامر را حضرت علی دانسته بودند و

روایات دیگری او را به دلیل فرماندهی جنگ، اولی الامر معرفی کرده بودند. آل محمد، عالمان و فقیهان، دیگر تفسیرهای اولی الامر در تفسیر فرات کوفی بود. شیخ طوسی بدون توجه به روایات فراوان تفسیر فرات کوفی، ابتدا همه اقوال را ذیل آیه نقل و سپس روایات منقول اهل بیت را بنا بر استدلال خود، ترجیح داده است. او تنها و نخستین مفسری است که در این دوره از این آیه برای اثبات عصمت و طهارت امامان از این استفاده کرده است.

بررسی تطبیقی تفسیر آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳)

این آیه در ادامه آیه نازل شده که درباره همسران پیامبر است. در این آیات به زنان پیامبر گفته شده اگر خواهان زندگی این جهانی هستند، مهریه خود را دریافت کنند و از پیامبر جدا شوند و اگر طالب زندگی اخروی هستند، پاداش فراوانی در انتظار آنان است؛ با رفتارهای زشت و نیکو آنان دو برابر پاداش یا مجازات می گیرند؛ بهتر است در خانه های خود بمانند و با دیگران به گونه ای صحبت نکنند که کسی به آنها طمع کند. در ادامه این آیات گفته شده که خداوند اراده کرده تا اهل بیت را پاک کرده و از رجس دورشان سازد.

دو روایت نسبتاً مشابه در تفسیر آیه ۳۳ سوره احزاب از ابوالجارود در اختیار است. بنابر این روایات پیامبر به مدت نه ماه، برای نماز صبح به طرف منزل حضرت علی می رفت و پس از رد و بدل شدن سلام میان آنها، پیامبر آنها را به نماز فرا می خواند و سپس فراز میانی این آیه را تلاوت می کرد و به مسجد می رفت (ابوالجارود، ص ۲۳۳-۲۳۲؛ همچنین بنگرید: حبری، ص ۳۱۱؛ حسکانی، ج ۲، ص ۱۸). بر پایه این روایات، اهل بیت اشاره شده در آیه ۳۳ سوره احزاب، حضرت علی، همسر و فرزندان آنها خواهد بود.

مقاتل در تفسیر این آیه، مقصود از اهل بیت را همسران پیامبر دانسته و آیه را این طور تفسیر کرده که با رعایت حجاب، رجس (خودنمایی و تبرج زنانه در دوره جاهلی) از زنان پیامبر برطرف شده و تطهیر شدند (مقاتل، ج ۳، ص ۴۸۹-۴۸۸). تفسیر مقاتل از این آیه با تفاسیر اهل سنت، شباهت فراوانی دارد.

قمی در ابتدای تفسیر این آیه پس از نقل روایتی از امام صادق درباره خودنمایی زنان در دوره جاهلی، از خودنمایی زنان در آینده، در جاهلیتی دیگر سخن گفته و در فراز بعدی آیه، روایتی از ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده که نشان می دهد این آیه درباره اصحاب کساء و در منزل ام سلمه نازل شده است. جزئیات رویداد کساء هم در ادامه تفسیر نقل شده است. بعد از

تفسیر این آیه، روایتی از ابوالجارود از زید بن علی نقل شده است. در روایت زید، مفسرانی که این بخش از آیه را درباره همسران پیامبر دانسته‌اند، نادان خوانده شده‌اند و به کار نرفتن ساخت فعلی جمع مؤنث در آیه را دلیل نازل نشدن آن درباره زنان پیامبر دانسته است.

حبری در تفسیر این آیه، یازده روایت نقل کرده است. از میان این روایت‌ها شش روایت درباره رویداد کساء خیبری در خانه ام‌سَلَمَه و سه روایت آن درباره تلاوت این آیه از سوی پیامبر پشت در خانه حضرت علی به هنگام نماز صبح است. در دو روایت باقی مانده تنها به نزول این آیه درباره پنج تن یا علی بن ابی‌طالب علیهم السلام اشاره شده و از کساء خیبری سخنی نیامده است. کلیه روایت‌های اشاره شده با چهار یا پنج واسطه به حبری رسیده است (حبری، ص ۳۱۰-۲۹۵).

فرات کوفی در تفسیر این آیه، شانزده روایت نقل کرده است که سه روایت آن را مستقیماً از حبری گرفته (روایت اول، دوم و پنجم حبری) و هر سه مربوط به رویداد کساء در خانه ام سلمه است. بقیه روایت‌های فرات مرسل نقل شده و در سلسله سند آن به جای نام بردن از نام راویان، از واژه «مُعَنَّا» استفاده شده است. بیشتر روایات تفسیری فرات کوفی حول وحوش اصل رویداد کساء است. چند روایت درباره تلاوت این آیه هنگام نماز صبح پشت در خانه علی بن ابیطالب است. چهار روایت نیز سخنرانی‌هایی است که از پیامبر، امام باقر، زید و ابن عباس نقل شده و به نزول این آیه درباره پنج تن اشاره دارند. در یک روایت هم ام‌سَلَمَه پس از شهادت امام حسین علیه السلام، شگفتی خود را از قاتلان بایبان خاطرۀ نزول این آیه بیان کرده است (فرات کوفی، ص ۳۴۱-۳۳۲).

شیخ طوسی تفسیر این آیه را با بحث تبرج و دوره‌های تاریخی آن آغاز کرده است. وی همان روایتی را که در تفسیر قمی درباره نزول این آیه روایت شده بود، از افرادی چون ابوسعید خُدَری، ام‌سَلَمَه، انس بن مالک، عایشه و وائله ابن اَسَقَع نقل کرده و ضمن بیان این که اثنی عشریه بنا بر این آیه چنین باور دارند که اهل بیت معصوم هستند و اشتباه نمی‌کنند. شیخ طوسی در این مرحله وارد استدلال کلامی شده است. از نظر او دو احتمال وجود دارد. یکی آن که افرادی همواره با انجام واجبات، پرهیز از محرمات و درستکاری به طهارت برسند که این احتمال درباره اهل بیت، صادق نیست زیرا انجام واجبات و پرهیز از محرمات، اختصاص به اهل بیت ندارد و وظیفه همه افراد است در حالی که روایات نشان می‌دهد این آیه ویژه اهل بیت است و

دیگران از آن بی بهره‌اند. در این صورت چگونه این آیه به اهل بیت اختصاص خواهد داشت و چگونه فضیلت و امتیازی برای آنان به شمار خواهد آمد؟!

شیخ طوسی در این قسمت با استناد به سخنان زبان شناسانی چون زجاج چنین نتیجه گرفته که «انما» در این آیه به معنی «لیس» است و در این صورت معنی آیه این گونه خواهد بود: خداوند کاری جز پاک کردن رجس از اهل بیت، نمی‌خواهد انجام بدهد و این معنا دلالت بر عصمت آنان دارد. شیخ طوسی روایت تفسیری عکرمه که نزول این آیه را تنها درباره زنان پیامبر دانسته، با تکیه بر ساخت افعال و ضمائر مذکر این بخش از آیه، نادرست ارزیابی کرده است. او همچنین دلایل دیگر تأیید رأی عکرمه را با مجاز نبودن ورود ام سلمه در بین اهل کساء پاسخ داده است. (شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۳۴۱ - ۳۳۹).

بر این اساس در تفسیر آیه تطهیر، ابوالجارود دو روایت نقل کرده تا نشان دهد پیامبر نه ماه هنگام نماز صبح، پشت در خانه حضرت علی، این آیه را تلاوت می‌کرده است. مقاتل برخلاف ابوالجارود، آیه را درباره همسران پیامبر دانسته تا بگوید که این خواست خداست که زنان پیامبر را باحجاب، از هر گونه ناپاکی مبرا سازد. قمی در تفسیر این آیه روایتی از امام باقر به نقل از ابوالجارود نقل کرده که بنابر آن پنج تن آل عبا در خانه ام سلمه زیر پوششی خیبری گرد هم آمدند. پیامبر اجازه نداد که ام سلمه نیز به آن‌ها اضافه شود و سپس برای پاک شدن آنان دعا کرد و این آیه نازل گردید. قمی در ادامه تفسیر، روایتی از زید بن علی نقل کرده که وی نزول این آیه را درباره همسران پیامبر، به دلیل وجود ضمائر جمع مذکر در آیه، نادانی دانسته است. حبری در تفسیر این آیه، یازده روایت نقل کرده است. از میان این روایت‌ها شش روایت درباره رویداد کساء خیبری در خانه ام سلمه و سه روایت آن درباره تلاوت این آیه از سوی پیامبر هنگام نماز صبح کنار در خانه حضرت علی است.

فرات کوفی در تفسیر این آیه شانزده روایت نقل کرده است که برخی مربوط به رویداد کساء در خانه ام سلمه است و برخی مربوط به تلاوت این آیه هنگام نماز صبح در کنار خانه حضرت علی و تعدادی مربوط به سخنرانی از پیامبر، ابن عباس، امام باقر و زید درباره نزول این آیه درباره پنج تن آل عباس است. شیخ طوسی که نزول این آیه را درباره همسران پیامبر نقد کرده، این آیه را نیز دال بر عصمت اهل بیت از خطا گرفته است.

بررسی تطبیقی تفسیر آیه ولایت (مائده / ۵۵)

در این آیه خداوند خود، پیامبر و کسانی را که در حال رکوع زکات می‌دهند، ولی مؤمنان معرفی کرده است. ابوالجارود چندین روایت به مناسبت تفسیر این آیه و همچنین آیه ۶۷ سوره مائده نقل کرده است. در روایت کوتاه نخست، ابوالجارود از زید و امام باقر نقل کرده که آیه ۵۵ درباره امام علی نازل شده است. ابوالجارود در روایت دیگری از امام باقر نقل کرده که گروهی از یهودیان مسلمان شده مدینه درباره وصایت یوشع برای حضرت موسی حرف زدند و مایل بودند بدانند که وصی پیامبر کیست که مدتی بعد این آیه نازل شد و آنان همراه پیامبر به مسجد رفتند در آنجا متوجه گدایی شدند که از علی بن ابی طالب در حالت رکوع انگشتی گرفته است و به پیامبری محمد و ولایت علی رضایت دادند.

در ادامه این روایت آمده که عُمَر بن خطاب گفته من چهل بار در حال رکوع انگشت صدقه دادم ولی آیه‌ای نازل نشد. سه روایت بعدی ابوالجارود نسبتاً مضمون مشابهی دارند. در این روایات که از امام باقر نقل شده، چنین آمده است که به دلیل بیان نشدن جزئیات احکام در آیاتی که نازل می‌شد، پیامبر مکلف می‌شد پس از نزول آیات نماز، روزه، زکات و حج، تفاسیر آن را بیان کند و جزئیات آیه ۵۵ سوره مائده هم با حوادثی که در غدیر خم اتفاق افتاد، بیان شد (ابوالجارود، ص ۹۶-۹۰).

مقاتل این آیه را در سایه مواجه مسلمانان با یهودیان تفسیر کرده است. بر اساس تفسیر او برخی مسلمانان به پیامبر گلایه کردند که بستگان یهودی آن‌ها که همچنان بر آئین یهود مانده‌اند، آنان را در انزوا قرار داده‌اند که این آیه نازل شد و آن‌ها به پروردگاری خدا و پیامبری محمد و ولایت مؤمنان رضایت دادند و پس از آن علی بن ابی طالب در حالت رکوع صدقه‌ای به فقیر داد. پیامبر پس از تکبیر، خدا را سپاس گفت که این امتیاز را به امام علی داده است. مقاتل که «ولی» را دوست معنی کرده است، در ادامه تفسیر آیه و در توضیح عبارت «ان حزب الله هم الغالبون...» آیه را به دیگر مؤمنان تعمیم داده و نتیجه گرفته که خداوند علی بن ابی طالب را به‌عنوان نمونه معرفی کرده و مؤمنان اشاره شده در این آیه محدود به او نیستند (مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۴۸۶).

قمی روایتی از امام باقر به نقل از ابوحمزه ثمالی نقل کرده که نشان می‌دهد روزی پیامبر در کنار تعدادی از یهودیان نشسته بود که این آیه نازل شد و پس از آن به مسجد رفت و با گدایی

روبه رو شد که انگشتی از امام علی صدقه گرفته بود (قمی، ج ۱، ص ۱۷۰). تفسیر قمی در همین نقطه ناتمام رها می شود. احتمالاً نسخه کتاب قمی در این بخش افتادگی داشته است. در تفسیر حبری، مطلبی ذیل آیه نیامده است لیکن گردآورنده اثر، دو روایت از حبری در تفسیر فرات کوفی به این کتاب افزوده است که هر دو مرسل و بدون سند کامل هستند. بنابر روایت نخست، پس از گفتگوی پیامبر با گدای مورد نظر، آیه نازل شد و پس از آن پیامبر فرمود پس از من او ولی شما خواهد بود. در روایت کوتاه دوم هم صرفاً گفته شده که این آیه درباره علی بن ابی طالب نازل شده است (حبری، ص ۳۳۴-۳۳۳)، اما از چگونگی آن سخنی در میان نیست.

فرات کوفی در تفسیر این آیه چهارده روایت آورده است که دو روایت از امام صادق، سه روایت از امام باقر، یک روایت از امام سجاد، سه روایت از علی بن ابیطالب، سه روایت از ابن عباس و دو روایت از ابوهاشم فرزند محمد حنفیه از رسول الله است که به جز یکی از روایت‌های امام باقر بقیه همگی مرسل هستند. برخی از این روایت‌ها بسیار کوتاه و فقط گویای آن هستند که این آیه در باره علی بن ابی طالب نازل شده است از جمله روایتی از امام صادق، امام باقر، امام سجاد و ابن عباس. همچنین روایتی را که پیش از این مقاتل در تفسیر این آیه نقل کرده بود، و در آن از گلايه يهوديان نومسلمان صحبت شده بود، فرات کوفی به نقل از ابن عباس و با جزئیات بیشتری نقل کرده است. در برخی روایات هم امام نزول این آیه را درباره افراد دیگری نفی کرده است (فرات کوفی، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۲۴).

شیخ طوسی ابتدا همه اقوال موجود درباره شأن نزول آیه را بیان کرده است. بنابر تفسیر او مجاهد، سدی، طبری و ابوبکر رازی هم رأی با امام باقر و صادق علیهم السلام برآوردند که این آیه درباره علی بن ابی طالب نازل شده است لیکن به نظر حسن بصری و جبائی این آیه اختصاص به علی بن ابیطالب ندارد. او سپس آنچه را مقاتل بن سلیمان درباره يهوديان نومسلمان نقل کرده بود، به عنوان قول سوم، از کلبی نقل کرده است.

شیخ طوسی در ادامه وارد استدلال‌های کلامی شده و این آیه را دال بر ولایت بلافصل امیرالمؤمنین دانسته است. شیخ طوسی با ارائه مثال‌هایی در روایت‌های فقهی پیامبر نشان داده که ولی به معنی افضل است. او همچنین تواضع تلقی کردن معنای رکوع را با شواهدی در متون ادبی پذیرفته و واژه «انما» را با عام بودن مصادیق آیه ناسازگار دانسته و توضیح داده که ممکن نیست خداوند به همه مؤمنان بگوید از همه مؤمنان تبعیت کنید؛ علاوه بر این که در متون

عربی و آیات قرآنی بارها افعال جمع برای مفرد به کار رفته است. درباره شأن نزول‌های دیگر این آیه، نظر شیخ طوسی این است که نازل شدن این آیه درباره علی بن ابی طالب به این معنا نیست که گزارش‌های دیگر کاملاً نادرست باشند مثلاً این که، برخی از یهودیان نومسلمان شده از سوی دیگر یهودیان، تحت فشار قرار گرفته‌اند، تناقضی با نزول آیه درباره علی بن ابی طالب ندارد کما اینکه برخی اهل حدیث مؤید همین شأن نزول هستند (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۵۶۴-۵۵۹).

در نتیجه باید گفت ابوالجارود برای تفسیر این آیه، بیش از آیات دیگر روایاتی را نقل کرده است. پنج روایت او در تأیید نزول این آیات بر حضرت علی است لیکن در برخی روایت‌ها ماجرای بخشش انگشتر در حال رکوع با گلایه یهودیان نومسلمان از منزوی شدنشان همراه شده است. مقاتل به‌رغم پذیرفتن نزول این آیه در شأن حضرت علی، آن را به همگی مؤمنان تعمیم داده و «ولی» را دوست معنی کرده است. قمی هم گزارش ناقصی از هم‌زمانی گلایه یهودیان نومسلمان با بخشش انگشتری روایت کرده است. دو روایت تفسیر خبری، که در تفسیر فرات کوفی نقل شده و در نسخه کتاب نیامده، صرفاً به بخشش انگشتری پرداخته شده است. چهارده روایت فرات کوفی هم برای اثبات نزول اختصاصی این آیه در شأن علی بن ابی طالب است هر چند به لحاظ محتوا و راوی با یکدیگر تفاوت دارند و تنها در یک روایت به یهودیان نومسلمان اشاره شده است. شیخ طوسی علاوه بر نفی احتمالات دیگر تفسیری، بر نزول اختصاصی آیه تأکید کرده و علاوه بر آن از این آیه افضلیت حضرت علی و ولایت بلافصل او را نتیجه گرفته است.

بررسی تطبیقی تفسیر آیه مودت (سوره شورا/ ۲۳)

در این آیه خداوند از پیامبر خواسته که به مومنان بگوید در ازای نبوت، مزدی جز محبت و دوستی با بستگانش نمی‌خواهد. از ابوالجارود ذیل این آیه تنها یک روایت نسبتاً طولانی نقل شده که پس بیان ویژگی‌های متعدد اهل‌بیت، جایگاه و منزلت آن‌ها بیان شده و در فراز پایانی این حدیث با استناد به آیه مودت نتیجه گرفته شده که خداوند ولایت و محبت اهل‌بیت را بر هر مرد و زن مسلمانی واجب کرده است (ابوالجارود، ص ۱۸۳-۱۸۱؛ همچنین نک: فرات کوفی، ص ۳۸۸).

مقاتل در تفسیر این آیه مقصود از مزد در این آیه را اجرت ایمان دانسته و چنین تفسیر کرده که قیمت و هزینه ایمان آن است که هر مسلمانی ارتباط خود را با بستگان پیامبر حفظ کرده و به آن‌ها آزاری نرساند. مقاتل ادامه داده است که البته این آیه با آیه ۴۷ سوره سبأ، که در آن گفته شده اجرت پیامبر با خداست، نسخ شده است (مقاتل بن سلیمان، ج ۳، ص ۷۶۹).

قمی برخلاف مقاتل منظور از آیه را مزد نبوت و نه ایمان دانسته است و با روایاتی بحث خود را پیش می‌برد. بنابر روایت نخست او از امام باقر، جمعی از انصار از پیامبر خواستند بابت زحماتی که می‌کشد، مبالغی از آن‌ها دریافت کند که این آیه نازل شد (قمی، ج ۲، ص ۲۷۵).

در نسخه تصحیح و چاپ شده حبری، تفسیری ذیل آیه نیامده است لیکن مصحح یک روایت از حبری را که در تفسیر فرات کوفی نقل شده، به کتاب افزوده است. بنا بر این نقل روزی محمد بن حنفیه این آیه را برای پیروانش قرائت کرد و مقصود از قربی را اهل بیت دانست و خود را از آن‌ها شمرد (حبری، ص ۳۶۰-۳۵۹؛ فرات کوفی، ص ۳۹۹).

فرات کوفی ذیل این آیه، هجده روایت نقل کرده که از این میان یک روایت از امام صادق، سه روایت از امام باقر، دو روایت از امام سجاد، شش روایت از ابن عباس. او همچنین از فاطمه دختر امام حسین و جابر و عمر بن شعیب و محمد حنفیه هر کدام یک روایت نقل کرده است. از نظر محتوا و حجم و موضوع روایت نیز آن‌ها را می‌توان دسته بندی کرد. از شش روایت ابن عباس، پنج روایت آن مضمونی مشابه و کوتاه دارند که به طرق مختلفی نقل شده‌اند. در تمامی این روایت‌ها فردی از پیامبر پرسیده که ذوی القربی چه کسانی هستند و پیامبر در پاسخ آن‌ها علی، فاطمه و دو پسرش را نام بردند. در بقیه روایت‌ها، جزئیاتی از حوادث تاریخی منجر به نزول آیه نیز به گونه‌ای بیان شده است که گویا افرادی نزد پیامبر آمدند تا مبالغی را در اختیار او قرار دهند و او بتواند در گرفتاری‌های خود از آن‌ها هزینه کند. در دو روایت نسبتاً طولانی یکی از اصبع بن نباته در باره امیرالمؤمنین و دیگری از فاطمه بنت الحسین، بر واژه اجیر، اجر و ولی تأکید فراوانی شده تا اجر ذوی القربی را تداعی کند (فرات کوفی، ج ۱، ص ۳۹۹-۳۸۸).

شیخ طوسی در تفسیر این آیه ابتدا به «الا المودة» توجه کرده و اقوال مفسران پیش از خود را در دو گروه دسته‌بندی کرده است. گروهی استثنا را تام و گروهی دیگر استثنا را ناقص دانسته‌اند. در صورتی که استثنا را ناقص بدانیم معنای جمله چنین خواهد بود که من اجری از شما

نمی‌خواهم ولی به شما یادآور می‌شوم که به بستگانم نیکی کنید ولی اگر استثنا را تام بگیریم، محبت به بستگان پیامبر مزد پیامبری خواهد بود.

درباره معنای «المودة فی القربی» شیخ طوسی اقوال موجود را گردآوری کرده است. حسن بصری انجام عمل صالح را که مایه تقرب به خداوند می‌شود، مودة فی القربی تفسیر کرده است. ابن عباس، قتاده، سُدی، ضحاک، مجاهد، ابن زید و عطاء بن دینار در تفسیر این آیه گفته‌اند که پیامبر از مشرکان خواسته به دلیل روابط نسبی که با آنها دارد، با او مودت داشته باشند. قول سوم هم قول امام سجاد، امام باقر، امام صادق، شعیب بن عمرو و سعید بن جبیر است که گفته‌اند منظور این است که مزد نبوت محبت به بستگان پیامبر است (شیخ طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۵۸). شیخ طوسی در تفسیر این آیه وارد استدلال‌های کلامی نشده است.

در جمع‌بندی این تفاسیر می‌توان گفت که تنها روایت ابوالجارود از تفسیر آیه مودت (شورا/ ۲۳) بیانگر آن است که محبت و ولایت اهل بیت بر همه مؤمنان واجب است. مقاتل پس از شرح کوتاهی از آیه، گفته که این آیه با آیه دیگری که پیامبر در آن پاداش خود را با خدا دانسته (سبا/ ۴۷) نسخ شده است. قمی بنابر روایتی از امام باقر نزول آیه را ناظر به حضور انصار برای حمایت مالی از پیامبر دانسته است. حبری با بیان خاطره‌ای از محمد حنفیه که در آن خود را از اهل بیت دانسته گفته که وی پس از تلاوت این آیه، نماز حاکمان را مردود شمرده است. فرات کوفی در روایت‌های متعددی سعی کرده نزول آیه را درباره علی بن ابی طالب، همسر و دو فرزندش ثابت کند. وی همچنین روایت‌هایی از شأن نزول این آیه و حضور انصار در خانه پیامبر برای حمایت مالی از وی نقل کرده است. شیخ طوسی استثنای به کار رفته در آیه را تام دانسته و نتیجه گرفته که محبت به اهل بیت، مزد نبوت است. مباحث شیخ طوسی ناظر به استدلال و پاسخ به انتقادهای مفسران غیر شیعی است.

بررسی تطبیقی تفسیر آیه مباحله (آل عمران/ ۶۱)

در آیات قبل آیه ۶۱ سوره مباحله، خداوند حضرت عیسی را از خاک دانسته و از پیامبر خواسته در این باره تردید نکند. سپس آیه ۶۱ آل عمران، پیامبر را به مباحله با دیگرانی که این واقعیت را نمی‌پذیرند فرا خوانده است. بنابر این آیه فرزندان، همسران و خود استدلال‌کنندگان باید در مباحله شرکت کنند. ابوالجارود در تفسیر این آیه به یک روایت بسنده کرده است. بر پایه این روایت که با چندین واسطه به امام باقر علیه السلام می‌رسد، روزی هیئت نصرانی از

نجران همراه اسقف و عاقب و چند تن دیگر، وارد مرکز علمی یهودیان مدینه شدند و به آن‌ها گفتند که آن مرد (پیامبر) چندین سال وارد مدینه شده و بر شما مسلط شده است و آن‌ها به مجادله با پیامبر دعوت کردند. فردای آن روز پیامبر در پاسخ به این پرسش که پدر حضرت عیسی کیست سکوت کرد و سپس جبرئیل این آیه را نازل کرد و پیشنهاد مباحله مطرح گردید. صبح فردا پیامبر همراه علی و فاطمه و حسن و حسین آمدند ولی مسیحیان از مباحله منصرف شدند (ابوالجارود، ص ۶۹-۷۱).

مقاتل در تفسیر مختصری بدون ذکر منبع و راوی، به داستان پرداخته و به گفته مسیحیان به پیامبر گفتند به ما حمله نکنید، ما را نترسانید و ما را مجبور به ترک دین مان نکنید، ما هزار تکه پارچه در صفر، هزار پارچه در رجب، و سی سپر آهنین می‌دهیم. پیامبر با آن‌ها مصالحه کرد و در پاسخ عمر که پرسید چه کسانی را با خود به ملاعنه می‌بردی، فرمود علی و فاطمه و حسن و حسین و حفصه و عایشه را (مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۲۸۱).

حبری در تفسیر مختصر خود نیز با چند واسطه از ابوسعید خدری، این آیه را درباره پیامبر و علی، فاطمه، حسن و حسین و دعا علیه دروغ‌گویان مسیحی که نامشان را در متن آورده، بیان کرده است (حبری، ص ۲۴۸-۲۴۷). قمی روایتی از نصر بن سوید از امام صادق را نقل کرده که گویای چگونگی حضور مسیحیان در مدینه و پرسش آن‌ها از پدر حضرت عیسی است و با روایت ابوالجارود از امام باقر اندکی تفاوت دارد (قمی، ج ۱، ص ۱۰۴).

فرات کوفی در تفسیر این آیه، نه روایت نقل کرده، که هر چند در جزئیات مباحله اندک تفاوتی با یکدیگر دارند اما وجه مشترک همه آن‌ها آن است که مقصود از «انفسنا» پیامبر و علی بن ابیطالب، «نساءنا» فاطمه و «أبنائنا» حسن و حسین هستند. فرات دو روایت از امام باقر و یک روایت از امام علی، یک روایت از ابن عباس، یک روایت از ابورافع، یک روایت از شهر بن حوشب و یک روایت از ابی‌هارون در تفسیر این آیه نقل کرده است که همگی مرسل هستند (فرات کوفی، ج ۱، ص ۸۹-۸۶).

شیخ طوسی ابتدا به این موضوع اشاره کرده که شیعیان اثنی‌عشری، از این آیه چنین نتیجه می‌گیرند که او افضل صحابه بود زیرا عبارت «أَنْفُسَنَا» در آیه ناظر به پیامبر و امام علی علیهم السلام است و هنگامی که امام علی همان «نفس» پیامبر باشند، در فضیلت کسی به منزلت او نخواهد رسید. شیخ طوسی پس از این بخش در صدد اثبات فضیلت متعالی امام حسن و امام حسین علیهم السلام برآمده است. از نظر او نمی‌توان بلوغ جسمی، را شرط دریافت

ثواب و شرط نیل به فضیلت شمرد، زیرا برای رسیدن به مراتب فضیلت، بلوغ عقلی کافی است، همان گونه که برای حضرت عیسی علیه السلام چنین بود. شیخ طوسی دیدگاه مشابه برخی امامان معتزلی را هم مؤیدی بر سخن خود دانسته است و ادامه داده که سطح معرفت الهی آنان و اقرارشان به نبوت پیامبر، فراتر از دیگر صحابه بوده است.

بنا بر نظر علمای شیعه، برای مباحثه افرادی باید انتخاب شوند که عقیده بهتری نسبت به خدا داشته باشند و چون پیامبر علی و فاطمه و حسن و حسین را همراه خود برد، پس آنها بهترین مردم بوده‌اند. علاوه بر این کسی را که پیامبر با خودش برده، مثل خودش بوده، پس غیر از علی کسی به پای فضیلت او نمی‌رسد. شیخ طوسی در پاسخ به این اشکال که اهل مباحثه باید بالغ باشند گفته حسن و حسین اگر چه شرعاً بالغ نبودند ولی از بلوغ فکری و عقلی برخوردار بودند؛ مانند عیسی که در گهواره سخن می‌گفت. او نظر برخی از بزرگان معتزله را به‌عنوان تأیید سخنان خود آورده است و سخن خود را با سخن و نظر شیعیان به پایان رسانده که آن دو (حسن و حسین) را بهترین صحابه دانسته و گفته‌اند که خردسالی آنها، مانع معرفت و اطاعت از خدا نمی‌شود و چنین نتیجه گرفته‌اند که آنها پس از امام علی، افضل صحابه هستند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۸-۲۴۷).

نتیجه مقایسه تفاسیر این آیه چنین خواهد بود: ابوالجارود در تفسیر آیه ۶۱ آل عمران روایتی از امام باقر درباره ماجرای مباحثه نقل کرده که در آن اشاره شده پیامبر با پنج تن به مباحثه رفتند. در پایان گزارش تفسیر مقاتل آمده که عمر بن خطاب از پیامبر پرسید که در صورتی که مباحثه می‌کردند دست چه کسانی را می‌گرفتی که پیامبر از پنج تن به‌علاوه عایشه و حفصه نام برده است. جبری مباحثه پنج تن را از ابوسعید خدری نقل کرده است. قمی در تفسیر خود بدون اشاره به روایت تفسیری، به‌اختصار به این رویداد اشاره کرده و از پنج تن نام برده ولی نتیجه مشخصی از آیه نگرفته است. فرات کوفی نیز نه روایت از امام باقر، امام علی، ابن عباس، ابورافع درباره نزول آیه مباحثه درباره پنج تن نقل کرده است. شیخ طوسی نخستین کسی است که علاوه بر نقل روایت تفسیری، نتیجه گرفته که این آیه نشان می‌دهد که پنج تن، بیش از دیگران فضیلت داشتند و آنان افضل صحابه بود.

نتیجه

نتایج مزبور نشان می‌دهد که مفسران مورد نظر، عموماً از روش تفسیر نقلی استفاده کرده‌اند. تنها

شیخ طوسی را می‌توان استثنای این قاعده نامید. به عبارت دیگر، تفاسیر زیدی و امامی در دو دوره نخست یعنی از آغاز تا سال ۱۵۰ هجری که آغاز امامت امام کاظم علیه‌السلام است و همچنین از این دوره تا پایان دوره غیبت صغری در سال ۳۲۹ هجری همچنان به روش نقلی متمرکز بودند و کمتر از آن فراتر می‌رفتند. در مقابل مباحث لغوی و عقلی تفسیر التبیان شیخ طوسی، گرچه محدود و مختصر بود، ولی نشان می‌داد که این تفسیر، از تفسیر نقلی عبور کرده و وارد روش تفسیر عقلی و استدلالی شده و از آیات قرآنی برای استدلال‌های کلامی از جمله عصمت و افضل بودن آنان استفاده می‌کند که در نوع خود در تفاسیر شیعه بی‌سابقه به نظر می‌رسد. همچنین این پژوهش نشان داد که تفسیر قمی، کمتر از حد انتظار بر مباحث کلامی آیات متمرکز شده بود. ارجاع برخی روایات تفسیری قمی به سخنان یا روایاتی از زید بن علی نشان می‌داد که تحریرهای بعدی این تفسیر با افزوده‌هایی از نوع زیدی همراه شده است. در میان تفاسیر زیدی این دوره، همگی آنان از روش تفسیر نقلی بهره برده بودند. فرات کوفی بیش از دیگران روایات تفسیری مورد نظر خود را گردآوری کرده بود. پس از تفسیر فرات کوفی، تفسیر حیرتی از نظر گردآوری روایات مرتبط با آیه، در مرحله دوم قرار گرفت. تفسیر ابوالجارود کمترین سهم را در این زمینه داشت. تفسیر مقاتل در آیات مورد نظر نشان داد که بیشتر به تفاسیر اهل سنت نزدیک است و ارتباط کمتری با تفاسیر اثنی عشری یا زیدی دارد. نتیجه دیگری که در این پژوهش به دست آمد آن بود که مسئله اصلی تفاسیر اثنی عشری و زیدی در دو دوره نخست یعنی دوره امامان متأخر و دوره غیبت صغری، این بود که این آیات چه دلالتی به شخص جانشین پیامبر دارند و از این رو بیش از همه بر فضایل و برتری حضرت علی تأکید شده بود. البته باید افزود که در تفاسیر زیدی، بیش از همه بر امامت حضرت علی تأکید شده بود و در تفسیر برخی آیات، دایره بحث به پنج تن اصحاب کساء توسعه یافته بود ولی در تفاسیر اثنی عشری به‌ویژه تفسیر شیخ طوسی دایره نتایج تفسیری امامان دوازده گانه را شامل می‌شد. اما اتفاقی که در دوره سوم و در عهد آل‌بویه افتاد، از انتخاب جانشین پیامبر فراتر رفته بود و برای نخستین بار ویژگی‌های او چون عصمت و طهارت امامان از این آیات استنباط می‌شد.

منابع

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۸ ق.

- ابوالجارود، زیاد بن المنذر، *تفسیر ابی الجارود و مسنده*، به کوشش علی شاه علی زاده، قم، دارالحدیث، ۱۴۳۴ ق/ ۱۳۹۳.
- جرار، ماهر، «تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر: مقدمه‌ای در شناخت عقاید زیدیه»، ترجمه محمد کاظم رحمتی، *آئینه پژوهش*، شماره ۹۵، آذر و دی ۱۳۸۴.
- حبری، ابوعبدالله الحسین بن الحکم بن مسلم، *تفسیر الحبری*، گردآوری سیدمحمدرضا حسینی، بی جا، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۵ ق.
- حسکانی، عبید الله بن احمد، *شواهد التنزیل*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- حسین زاده، علی، «بررسی تفسیر ابوالجارود»، *پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۵ و ۶، بهار ۱۳۷۵.
- سلطانی، مصطفی، «تعامل تاریخی و فکری - فرهنگی معتزله و زیدیه»، *نامه تاریخ پژوهان*، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۶.
- شایسته نژاد، علی اکبر، «تفسیر مقاتل بن سلیمان و جایگاه آن»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- شفق خواتی، محمد، «امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه»، *پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی*، شماره ۲۱، بهار ۱۳۸۶.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- _____، *الرجال*، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۹ ق.
- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- قبادی، مریم، «تفسیر فرات کوفی»، *فصلنامه اسراء*، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسرون*، قم، انتشارات التمهید، ۱۳۷۹.
- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، داراحیاءالتراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
- موحدی محب، عبدالله، «نگاهی به تفسیر فرات کوفی»، *آئینه پژوهش*، شماره ۶۰، بهمن و اسفند ۱۳۸۷.

